

دبه کردن آمریکایی: تاریخچه‌ای از بدعهدی در قبال ایران

۲۹ فروردین ۱۴۰۵ ساعت ۱۵:۵۳

تاریخ روابط ایران و آمریکا مملو از فراز و نشیب‌هایی است که در آن، مفهوم «بدعهدی» یا «دبه درآوردن» از سوی آمریکا، بارها در قبال تعهدات و توافقات دوطرفه خودنمایی کرده است. این الگو، که ریشه در رویکردهای استراتژیک آمریکا در طول زمان دارد، نه تنها بر روابط دوجانبه تأثیر گذاشته، بلکه در توازن قوا و معادلات منطقه‌ای نیز نقش‌آفرین بوده است. این مقاله با بررسی نمونه‌های تاریخی و معاصر، به تحلیل این پدیده و پیامدهای آن برای ایران می‌پردازد.

نمونه‌های تاریخی بدعهدی آمریکا:

۱. بیانیه الجزایر (۱۹۸۱):

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در جریان بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در تهران، مذاکرات فشرده‌ای برای آزادی گروگان‌ها صورت گرفت. بیانیه الجزایر به عنوان توافقی برای پایان دادن به این بحران و آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران شناخته می‌شود. با این حال، تفسیرها و اجرای متعاقب آن از سوی آمریکا، همواره با ابهاماتی همراه بوده و برخی معتقدند که آمریکا به طور کامل به تعهدات خود در این بیانیه عمل نکرده و حتی از ظرفیت‌های آن برای اعمال فشار بر ایران استفاده کرده است.

۲. حمایت همه جانبه آمریکا از عراق در جنگ علیه ایران:

در طول جنگ تحمیلی هشت ساله ایران و عراق، آمریکا به طور فزاینده‌ای به سمت حمایت از عراق متمایل شد. این حمایت‌ها، که شامل ارائه اطلاعات نظامی، تسهیل فروش تسلیحات و حتی دخالت مستقیم در برخی عملیات‌ها می‌شد، در تقابل با منافع ایران و تعهدات بین‌المللی آمریکا قرار داشت. این رویکرد را می‌توان نوعی بدعهدی در قبال اصل عدم مداخله و بی‌طرفی در درگیری‌های منطقه‌ای تلقی کرد.

۳. قرارداد سیری با کانوکو (Conoco with Contract Seri):

این قرارداد که در دهه ۱۹۹۰ میلادی برای توسعه میدان گازی سیری بین ایران و شرکت نفتی کانوکو منعقد شد، نمونه‌ای از فرصت‌های اقتصادی بود که با مداخله آمریکا و اعمال تحریم‌ها، ناتمام ماند. علیرغم توافقات اولیه، فشار سیاسی و اقتصادی آمریکا باعث شد که کانوکو از اجرای قرارداد کناره‌گیری کند. این اقدام، نمونه‌ای از تأثیرگذاری قدرت‌های خارجی بر تعهدات

۴. همکاری افغانستان (پس از خروج شوروی):

در دوران پس از خروج نیروهای شوروی از افغانستان و در تلاش برای ایجاد ثبات در این کشور، ایران و آمریکا در مقاطعی همکاری‌هایی داشتند. با این حال، تفاوت در منافع و رویکردهای استراتژیک، این همکاری‌ها را محدود و ناپایدار ساخت. آمریکا در نهایت با رویکردی که منافع ملی خود را در اولویت قرار می‌داد، از ظرفیت‌های همکاری با ایران در این زمینه به نحو مؤثری استفاده نکرد و این موضوع را می‌توان نوعی بدعهدی در قبال ایجاد یک همکاری پایدار برای ثبات منطقه‌ای دانست.

مذاکرات نا تمام ایران و آمریکا :

۱- موافقتنامه الجزایر ۲- مذاکرات مک‌فارلین ۳- مذاکرات «کاهش تنش» در زمان بیل کلینتون - محمدخاتمی ۴- مذاکرات مستقیم ایران - آمریکا درباره افغانستان و عراق ۵- مذاکرات مستقیم هسته‌ای در دوره روحانی - اوباما ۶- مذاکره غیرمستقیم در دوره پزشکیان - ترامپ که با بدعهدی آمریکا منتهی به جنگ‌های ۱۲ روزه و جنگ رمضان شد...

سابقه بدعهدی آمریکا در قبال ایران، چه در قالب توافقات دوجانبه و چه در رویکردهای منطقه‌ای، الگویی تکرارشونده است. از توافقات تاریخی گرفته تا واکنش به بحران‌های معاصر، آمریکا بارها نشان داده است که منافع استراتژیک خود را بر تعهدات بین‌المللی یا روابط پایدار اولویت می‌بخشد. این رویکرد، نه تنها بر اعتماد متقابل تأثیر منفی گذاشته، بلکه به بی‌ثباتی منطقه‌ای دامن زده است. درک این الگو برای تحلیل سیاست خارجی ایران و اتخاذ رویکردهای مناسب در قبال قدرت‌های جهانی، امری ضروری است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/50313/دبهد-کردن-امریکا-پس-تاریخچه-امریکا-پس-کردن-دبهد-50313>